

شهر کتاب

معرفی و نقد کتابهای رسیده به دفتر شهید

کاروان عمر

ماه گذشته دو کتاب از پرویز خلیلی شاعر خوب ایرانی مقیم اسرائیل بدستمان رسید. اشعار خلیلی در دو کتاب "کاروان عمر" به دو سبک غزلیات و دو بیتی است که با همیاری و کوشش دوست دیرینه او اواراهام حاخامی چندی پیش در اسرائیل منتشر گردیده است. ابیات دلنشین خلیلی در این دو کتاب سراسر پیام آور عشق و درد تنهائی است. دردی که از غم از دست دادن همسر مهربانش، او را اندک اندک به سرودن این اشعار کشانده است:

دورم ز تو و با غم هجران چکنم

با غم هجر بسازم غم دوران چکنم

غم دوران و غم هجر صبوری گیرم

ای خلیلی تو بگو با غم جانان چکنم خود او در بخش نخستین اولین کتابش میگوید: قبل از پاشیده شدن کاشانه پر شکوه و مهر انگیز با نواختن تار و خواندن قطعه ای شعر، کانون خانوادگی ام را شاد و خرم نگه میداشتم، حال با سرودن اشعاری نیازمندم که زنگ آزار تنهائی را از روح و روانم بزدایم.

نکته بسیار مهم و محسوس در مقایسه اشعار اولیه پرویز با آنچه در دو جلد کتاب زیبایش وجود دارد، سعی و تلاش او در پیشبرد سطح اشعار و قوی تر ساختن هرچه بیشتر چارچوب قافییه بندی و وزن ابیات بصورت يك شعر به تمام معنی است. چون شکوفه گلی که هر روز با تغذیه از خاک و آب روان و نوازش گرم نور آفتاب میشکند و پس از چند روز به نهایت زیبایی و بوی خوش مشامش میرسد.

پرویز خلیلی نشانه بارزی از يك تلاش خستگی ناپذیر است که با "کاروان عمر" به سرمقصد هدف رسیده است. او با انتشار دو جلد از اشعار خود ضمن بجای گذاردن يك اثر جاودانه هنری برای جامعه ایرانی مقیم اسرائیل، بی شک برگ زرینی را نیز در کتاب قطور ادبیات معاصر ایران ورق میزند.

کتاب "من يك آخوند بودم"

کتاب "من يك آخوند بودم" که در قطع رقیعی در ۲۴۳ صفحه منتشر شده است ماه گذشته بدستمان رسید. اولین نکته قابل توجه در این کتاب، علاوه بر عنوان آن، طرح روی جلد است که با تجلی آخوندی در پوست يك حیوان درنده، گویای صفات درونی این دشمنان ایران برباد میباشد.

باوجودی که در این کتاب بخاطر مطالب بسیار حساس مندرج در آن برخلاف معمول نام نویسنده، نام ناشر و تاریخ انتشارش در آن درج نشده ولی از طرح جلد و مطالب مندرج در آن (ذکر مرگ تروریست وحشی عرفات) میتوان دریافت که این کتاب اخیرا چاپ و منتشر

گشته است هر چند که خاطرات ذکر شده در آن گویا به سالها قبل یعنی دوران جنگ با عراق و یا پس از آن برمیگردد.

نویسنده یا بهتر بگوئیم گردآورنده این کتاب که آشکارا اعلام میکند ساکن مکانی امن در داخل ایران است، دلیل خود برای عدم درج نام و عکسش بر این کتاب را چنین عنوان میکند که از تعقیب و آزار اطرافیان او که مورد شناسائی رژیم قرار گیرند خوداری نماید.

در بخش نخستین کتاب نویسنده توضیح میدهد این کتاب را براساس خاطرات آخوندی که عبا و عمامه را بکنار گذاشته و تمام وقایع زندگی اش را بی ریا و دوستانه برایش بازگو کرده به رشته تحریر درآورده و در پیامی به ملت ایران نوشته است: همه آنچه نوشته شد از گفته های او بود که تمام آنها را در پایان صحبتها در گوشه خلوتی نشست، یادداشت میکردم تا برای خودم آرشیوی از این داستان داشته باشم.

از طرز نگارش ساده و از سبک ادبی نویسنده میتوان برداشت نمود که گردآورنده و یا نویسنده کتاب نه يك نویسنده حرفه ای و بنام، بلکه بنابه ادعای خودش يك فرد عادی از این ملت زجر دیده است که جبر زمانه او را درگیر واقعه ای میکند که در نهایت منجر به جمع آوری مطالبی درخور انتشار این کتاب میگردد.

داستان آغاز نگارش این کتاب خود بخشی مهیج و خواندنی است: در آغاز نگارنده خاطرات اسارت و محاکمه اش در بیدادگاههای رژیم آخوندی را به تفسیر میاورد و سپس راهی که برای آزادی از سیاه چالهای آخوندی اندیشیده و با پرداخت رشوه به یکی از نگهبانان جوان موفق به رهائی از زندان میشود.

همین آشنائی با این جوان سپس به آشنائی با آخوندی که با گرفتن باج، حکم آزادی اش را امضا کرده میرسد و معاشرت روزمره و رفت و آمد با او سرانجام به جائی میکشد که آخوند یا به عبارتی "قهرمان این داستان" به خواست خود داستان زندگی سیاهش که مملو از حقایق تلخ و زنده در مورد جامعه آخوندی و اسرار پشت پرده این گروه و جور و ظلمی که نسبت به ملت ایران از قرنهای قبل تاکنون روا داشته و همچنان میدارند، را بازگو مینماید. در صفحات داخلی کتاب میخوانیم که همین آخوندهائی که هزاران هزار ایرانی را به جرمهای واهی ضدانقلاب، محارب با خدا و رسول خدا،

رواج لواط و فحشا و دشمنی با اسلام به فجع ترین راهها به قتل رسانده اند، خود در پناه يك عبا و عمامه با دست زدن به کثیف ترین و منحرف ترین کارها چگونه نام خدا و دین و پیامبر را به تباهی میکشند. مطمئنا در محدود مکانی که برای معرفی این کتاب در اینجا وجود دارد نمی توان به تمامی نکات جالب و خواندنی این اثر بی نظیر پرداخت ولی بی شک کسانی که شروع به خواندن این کتاب مینمایند تا آخرین صفحه آن پایان نرسد آنها به زمین نخواهند گذاشت. این کتاب در سراسر آمریکا و اروپا پخش شده و برای تهیه آن در اسرائیل نیز میتوان با دفتر نشریه شهید تماس حاصل نمائید.

اجرای احکام دادگاههای اسرائیل

دکتر دانیال دانا و مایکل حنائی - وکلای دادگستری
دسامبر ۲۰۰۵

می‌آغازند و به شیوه‌های زیر پیشگیری میشوند:

- ۱- اقدامات پیشگیرانه از هرگونه نقل و انتقال اموال و املاک خواننده
- ۲- ممنوع الخروج کردن خواننده از کشور،
- ۳- اقدام قانونی در ممنوع الوصولی کلیه بستانکاریهایی خواننده از بخش دولتی یا خصوصی،

چنانچه حکمی دارای خواهانهای متعدد باشد، رئیس دفتر اجرای احکام میتواند خواسته آنانرا یکپارچه کرده و همه دارائیهای خواننده را به سود آنان بازداشت کند یا بدهکار را ملزم به کارسازی یا پرداخت نسبی دین در وجه آنان نماید. فراموش نکنیم که بهره برداری از حداقل مزایای زندگی برای خواننده و خانواده وی به استناد رویه قضائی (7109) مرعی است و دفتر اجرای احکام ملزم به رعایت بسیاری بازدارنده های قانونی به سود خواننده میباشد. چنانچه در اجرای پاره ای احکام لازم الاجرا در اسرائیل دیده شده که خواننده برخوردار از بسیاری حقوق اجتماعی، مانند حق داشتن خانه شایسته با لوازم زندگی، تلفن، فکس، تلویزیون، کامپیوتر نیز شناخته شده است. پاسخ به این پرسش که اندیشه قانوننگار دموکرات و آرمان لیبرالیسم حقوقی - اقتصادی چه اندازه ابزار سوء استفاده قانون ستیزان جامعه میگردد و حقوق بستانکار تا کجا آسیب میبیند، نکته ای است که از دیرگاه سوژه سخن بسیاری از کارشناسان بوده و امیدواریم سرانجام روزی به سود توده خردگرا پایان یابد.

پاره ای تناقضات پرونده یا عدم همکاری خواننده یا نماینده قانونی وی با دفتر اجرای حکم، هر از گاه اجرای حکم را به دشواریهایی روبرو میکند که وکلای آگاه میتوانند بسیاری از اینگونه موانع را از پیش پا بردارند. برخی دگرگونیهای پیاپی قانوننگاری در این بخش از سیستم دادگستری اسرائیل، نه تنها بسیاری از خواهانهای اجرای احکام را، که برخی وکلا را نیز گاهی با پرسشهایی پیچیده رودرو میسازد.

آگاهی از قانون در هر فرهنگی، دستمایه پیروزی در پیکارهای اجتماعی است و ناآگاهی از آن، انگیزه زیانهای فراوان. بنابر این خواننده یا بدهکاری که خود را در برابر حکم صادره از دادگاه و لازم الاجرا در دفتر اجرای احکام میبیند، نباید ناامید گشته و تلاش برای پدافند از خویشتر را ناپسندیده بگیرد. وکلای کارگشته دادگستری در این زمینه به ویژه در سایه حقوق مردم سالار اسرائیل میتوانند بسیار گره گشا گردند و به یاریشان بشتابند. □

پیرو قوانین آئین دادرسی در کشور اسرائیل، در کنار هر دادگاه صلح (177) يك دفتر اجرای احکام برپا شده که آرای صادره از دادگاههای سراسر کشور را اجرا میکنند. ریشه این شیوه قانونگذاری به اندیشه مونتسکیو (حقوقدان، جامعه شناس و نگارنده نامدار فرانسه در رویداد انقلاب بزرگ سال 1789)، بر راستای قانون تفکیک قوا و استقلال کامل قوه قضائیه باز میگردد. قانون آئین دادرسی مدنی در اسرائیل افزون بر اجرای احکام صادره از دادگاههای سه گانه صلح، استان و دیوانعالی، اجرای احکام دادگاههای خانواده، کودکان، مذهبی (בית דין רבני)، رانندگی و دادگاههای شرعی (ویژه مسلمانان) را نیز به عهده دارند. احکام صادره از دادگاههای چندگانه بالا در هر يك از شعب دفاتر اجرای احکام در سراسر کشور قابل اجراست. برای نمونه میتوان گفت: خواهان (مدعی) حکمی که از دادگاه اورشلیم صادر شده، اجرای آنرا میتواند از هر يك از دفاتر اجرای احکام در سراسر کشور درخواست کند. بنابر این محدودیتهای قانونی در زمینه پاره ای صلاحیتهای ذاتی و قانونی، محل اقامت شاکی یا مشتکی عنه، محل وقوع جرم یا دستگیری متهم یا دیگر پیشبینی های قانونی در زمینه اجرای حکم ملحوظ نیستند. اجرای احکام صادره از دادگاههای اسرائیل بر مبنای پیش بینی های قانونی، آئینی ویژه دارند که رعایت آنها برای دارنده حکم یا متضرر از جرم، الزامی است. این آئین با تشریفات قانونی ثبت حکم در دفتر اجرای احکام و پاسخگویی به پرسشنامه های ویژه میآغازد و با پرداخت وجوه قانونی و دیگر عملیات اجرائی پایان می یابد. برخی اسناد ویژه مالی مانند چک، چنانچه با گواهینامه عدم وجه کافی در حساب صادر کننده از سوی بانک محال علیه همراه باشد، خود به خود به دارنده آن حق میدهد که برای اجرای حکم (وصول وجه مندرج) بیدرنگ از دفتر اجرای احکام درخواست تشکیل پرونده و احقاق حق نماید. شایسته یادآوری اینکه اجرای احکام مدنی صادره از دادگاههای اسرائیل، تنها با درخواست کتبی خواهان یا نماینده قانونی وی در دفتر اجرای احکام، زمینه اجرائی می یابد.

برخی خوانندگان (مدعی علیه) احکام مدنی پیش از رسیدن حکم صادره از دادگاه به مرحله اجرا، با زیرکیهای اموالشان را به خانواده یا این و آن انتقال میدهند تا مامورین اجرای احکام را با دستهای تهی خویش و از سر ناچاری به اتخاذ روشهای جانبدارانه ناگزیر سازند. چنین شیوه ای میتواند زبانی چند سویه داشته باشد. به هر روی مراتب قانونی در اجرای اینگونه احکام با بازداشت خواننده و توقیف کلیه اموال و دارائیهای وی

دفتر وکالت دکتر دانیال دانا و مایکل حنائی

وکلای دادگستری
107171086 א', חולון - 70. 03-6519060
079. 03-5030596

پوریای ولی

پهلوانی که درس تواضع به زورمندان آموخت

در سرزمین ایران پهلوانان نامداری زیسته اند که نامشان برای همیشه بزرگ و جاودان است. از آن جمله پهلوان محمود خوارزمی ملقب به پوریای ولی است که علاوه بر پهلوانی، شاعر و عارفی روشن بین و توانا بود.

پوریای ولی در قرن هشتم هجری میزیست و گرچه راجع به زندگی او اطلاعات دقیقی در دست نیست و حتی در مورد تاریخ تولدش نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد، ولی بیشتر گفته میشود که او در سال ۶۵۳ هجری قمری بدینا آمده است. محل تولد او "اورگنج" یکی از نواحی خوارزم بوده است.

زمان تولد پوریای ولی مصادف با دوره اول یورش هلاکوخان و آشفتنگی کشور ایران و ناراحتیهای ناشی از عواقب حمله مغولان به این سرزمین بوده است و همین اوضاع و احوال اجتماعی مملکت در روح و نفس و دل و جان او اثر گذاشت و سبب شد که تلاطم های روحی او در اشعار و آثارش متجلی شود. پوریای ولی که در اشعارش به "قتالی" تخلص میکرد در سال ۷۰۳ هجری قمری، هنگامی که حدود پنجاه سال داشت، در مدت شش ماه، مثنوی "کنزالحقایق" را سرود که در نوع خود کم نظیر است و حتی در کتاب "ریاض العارفین" اشاره شده که بعضی از ابیات "گلشن راز" شبستری، در اصل از "کنزالحقایق" بوده است.

پوریای ولی علاوه بر آن که پهلوانی بی رقیب و شاعری توانا و اندیشمند بود، انسانی بلند طبع و آزاده بود، بطوریکه تمام تاریخ نویسانی که شرح حال او را نگاشته اند، علاوه به ستودن مقام پهلوانی او، جملگی به صفای روح و طبع والای او اعتراف کرده اند و حتی درباره آن داستانها نوشته اند، داستانهائی که برخی از آنها بیشتر به افسانه می ماند تا واقعیت. با این حال هر يك به تنهائی، نشانگر روح جوانمردی و صفای باطن این پهلوان نامی ایرانی است. قدر شخصیت و خصوصیات انسانی پوریای ولی وقتی بیشتر آشکار میشود که به اوضاع اجتماعی دورانی که او در آن میزیسته توجه داشته باشیم. پوریای ولی در دوره ای میزیسته که قانون جنگل بر ایران حکمفرما بود و هر قدرتمندی به ضعیفان زور میگفت و تا آنجا که میتوانست اموال آنان را غارت میکرد. با این حال پوریای ولی که خود پهلوان پهلوانان بود و نه تنها در عهد خود بلکه در هیچ عهد و دوره ای، هرگز کسی لاف همسانی با او را نروده است، در طول زندگی خود، افتاده ترین، متواضع ترین و جوانمردترین پهلوانان بود و آوازه نام نیک او آنچنان در فرهنگ عامه ملت ما ریشه دواند که صدها سال پس از فوت او همچنان نامش مصداق سوگند پاکی و حقیقت پهلوانان و مردم نیک سرشت این سرزمین میباشد. پوریای ولی پس از ۶۹ سال زندگی توأم با ریاضت، عبادت، شجاعت و انسانیت، سرانجام در سال ۷۲۲ هجری قمری دارفانی را وداع گفت.

راهنمائی های پزشکی

- * برای پیشگیری از یوکی استخوان در سنین میانسالی، شیر و لبنیات را در برنامه غذایی روزانه خود بگنجانید.
- * با کاهش مصرف غذاهای دودی و نمک سود شده از بروز سرطان معده جلوگیری کنید.
- * شیر مادر به تنهائی مهمترین غذا برای کودک در طی ۶ تا ۷ ماهه اول زندگی است.
- * مصرف منابع غذایی خوب آهن مثل جگر، گوشت و زرده تخم مرغ از بروز کم خونی جلوگیری میکند.
- * کمبود ید در بدن کودکان موجب کند ذهنی و افت تحصیلی کودک میشود.
- * غذاهای قبلا پخته شده را برای استفاده مجدد کاملاً حرارت دهید.
- * آب پخت سبزیها را حتما مصرف کنید.

ضرب المثلهائی از مار

- * مار هرچی از پونه بدش میاد دم لونه اش سبز میشه.
- * مار بد بهتر بود از یار بد.
- * مار پوست خود را می گذارد ولی خوی خود را نمی گذارد.
- * مار تا راست نشه توی سوراخ نمیره.
- * مار خورده، افعی شده.
- * مار که پیر بشه قورباغه سوارش میشه.
- * مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسه.
- * مار "خفته" را نمیزنه.
- * مار را باید با دست دشمن گرفت.
- * مار را با زبون خوش میشه از سوراخ کشید بیرون.



گفتار ناموران

- * در زندگی هیچ مرد بزرگی کلمه "موفقیت" را نمیتوان قبل از "کوشش" دید.
- * تمدن از خانه هر فرد شروع میشود. هنری جیمز
- * هر کودکی که به دنیا میاید، با خود نامه ای دارد که در آن نوشته شده است: "هنوز خداوند از انسان مایوس نشده است".
- * مشکل ترین رازی که هر مردی باید در مخفی کردنش بکوشد، عقیده او درباره خودش است. مارسل پروست
- * بهتر است با يك قایق شکسته به دریا بروید تا آنکه رازی را به زنی بگوئید. ویلیام فالکنر
- * يك فايده از دواج اینست که شما دیگر خود را احمق نمیدانید بدون آنکه علت آنرا بیابید. نیکسون
- * بهترین موقع برای غلبه بر يك مشکل، پیش از بوجود آمدن آنست. ویلیام راسل